

# ضرورت‌های رشد صادرات صنعتی: رشد بهره‌وری، محتوای فن‌آوری، ارزش‌افزوده و مدیریت راهبردی

اشاره:

راه‌های توسعه صدور کالاهای صنعتی و کسب درآمد ارزی و ارزش‌افزوده بالاتر برای اقتصاد ملی، از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که ذهن برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی را به خود مشغول کرده است.

باتوجه به سرمایه‌گذاری‌های کلانی که در بخش تولید کالاها از جمله کالاهای صنعتی در سال‌های اخیر صورت گرفته، چنانچه راهکارهای مناسبی برای صدور تولیدات صنعتی یافت نشود، نمی‌توان به بهره‌دهی این سرمایه‌گذاری‌ها خوش‌بین بود و تراز تجارت صنعت را به حال تعادل درآورد. زیرا در وضعیت کنونی صنعت برای بهره‌گیری از ظرفیت کامل به سالانه ۳ تا ۴ میلیارد دلار ارز نیاز دارد.

آیا واقعاً صدور کالاهای صنعتی این‌قدر دشوار و از دید برخی ناممکن است؟ کارشناسان اقتصادی چنین باوری ندارند، اما می‌گویند باید بسیاری از تحولات را به‌وجود آورد تا بتوان در بازار جهانی کالاهای صنعتی جایگاهی به‌دست آورد.

در این گزارش ضرورت صدور کالاهای صنعتی، نحوه دستیابی به صدور این‌گونه کالاها و روش‌های استفاده از بخش خدمات در صنعت مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد؟

## چرا صدور کالاهای صنعتی ضروری است؟

وضع تجارت بین‌المللی هر روز دست‌خوش تغییراتی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سرنوشت اقتصادی ملت‌ها اثر می‌گذارد. در نتیجه روندهای تجارت جهانی در نیم قرن اخیر به شمار فقرا در جهان افزوده شده، سهم کشورهای درحال توسعه از تجارت جهانی محدود شده، درحالی که کشورهای پیشرفته صنعتی با بهره‌گیری از این روندها بر ثروت و رفاه مردم خود افزوده‌اند.

بررسی‌های انجام شده از سوی منابع بین‌المللی نشان می‌دهد که فاصله میان شمال و جنوب در دهه‌های اخیر روزبه‌روز بیشتر شده است. بخش قابل‌توجهی از این اختلاف از روند تجارت و دستیابی به فن‌آوری‌های نوین ناشی شده و بخشی نیز به حاکمیت سیاسی متکی بر جذب منافع اقتصادی منتج گردیده است.

حساسیت ما نسبت به ضرورت گسترش صادرات صنعتی باید از این نظر که وضع تجارت جهانی درحال تغییر و تحول است، به‌شدت تحریک شود.

باتوجه به سه موضوع اساسی «زمان»، «جمعیت» و «دانش فنی» توجه کنیم که برای اقتصاد ایران فرصت زیادی باقی



صادرات به وجود آید. سهم ایران در تجارت جهانی اینک ۳۴٪ درصد است، اما سهم جمعیت کشور از جمعیت جهانی یک درصد می‌باشد. حتی اگر بخواهیم که درحد و اندازه جمعیت خود در تجارت جهانی سهم به‌دست آوریم، باید مجموعه صادرات کشور سه‌برابر شود.

آیا باتوجه به وضعیت کنونی بازار جهانی نفت و نیز ذخایر نفتی کشور و امکانات استخراج و برداشت از آن‌ها، سه‌برابر کردن درآمد ارزی حاصل از صدور نفت میسر می‌باشد؟ مسلماً چنین نیست. بنابراین باید بر شتاب رشد صادرات غیرنفتی به‌ویژه کالاهای صنعتی افزوده شود تا بتوان به سهم موردنظر از تجارت جهانی دست یافت.

### مزیت نسبی برای رشد صادرات صنعتی کجاست؟

یکی از بحث‌های مهم در تجارت خارجی، یافتن مزیت نسبی در تولید کالاها، استفاده از آن برای عرضه کالاهای قابل صدور و حرکت به سوی بازارهای جهانی برای بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی است.

در بسیاری از بحث‌های اقتصادی، نیروی کار و انرژی ارزان به‌عنوان مزیت نسبی در اقتصاد ایران مطرح می‌شود. اما این سؤال پیش می‌آید که کشورهای نظیر ژاپن که از هردو این امکانات محروم هستند، چگونه توانسته‌اند در نظام تجارت جهانی، جایگاه والایی برای خود دست‌وپا کنند.

در ژاپن نیروی کار ارزان و منابع سرشار زیرزمینی (از جمله نفت) وجود ندارد، درحالی که سهم آن در تجارت جهانی حدود ۱۰ درصد می‌باشد. بررسی تجارت خارجی ژاپن نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۸ هر تن کالای وارداتی ژاپن به‌طور متوسط ۷۰ دلار و هر تن کالای صادراتی آن حدود ۸۰۰ دلار ارزش داشته است. تفاوت میان این دو رقم، ارزش‌افزوده‌ای است که در روند فعالیت‌های اقتصادی در ژاپن به‌دست آمده است.

○ برای اقتصاد ایران توجه به نکته اساسی «زمان»، «جمعیت» و «دانش فنی» ضروری است تا بتواند در جهت توسعه صادرات صنعتی گام بردارد.

به عبارت دیگر ژاپن واردکننده کالاهای خام بدون محتوای

نیست. منابع نفت محدود است، قیمت‌گذاری آن تا حد زیادی در اختیار تولیدکنندگان و صادرکنندگان این ماده نیست و لذا نمی‌توان به درآمدهای حاصل از فروش نفت‌خام، بیش از این متکی شد.

ایران کشور پرجمعیتی است که در اثر رشد سریع جمعیت در دهه گذشته، با جمعیت جوانی روبه‌رو است که به اشتغال برای تأمین نیازهای زندگی، احتیاج دارند. چنانچه زمینه اشتغال مولد ایجاد نشود، گذشته از فسادهای اجتماعی، مشکلات و زیان‌های اقتصادی به‌بار خواهد آمد.

○ فاصله میان کشورهای شمال و جنوب از اختلاف دستیابی به فن‌آوری‌های نوین و حاکمیت سیاسی متکی بر غارت منافع اقتصادی ناشی شده است.

از سوی دیگر دانش فنی در کشور در زمینه‌های گوناگون ازجمله صنعت در قیاس با دانش فنی روز جهان، عقب مانده است.

باین وصف، تلاش برای تولید کالاهای صنعتی قابل صدور به بازارهای جهانی، ضرورت ادامه حیات اقتصادی کشور می‌باشد.

هنوز کم‌تر از ۱۰ درصد صادرات کشور را کالاهای صنعتی تشکیل می‌دهد و ۹۰ درصد بقیه از صدور مواد خام (به‌ویژه نفت) و کالاهای سنتی (صنایع دستی، فرش و محصولات کشاورزی) به‌دست می‌آید. ارزش‌افزوده ناشی از ۹۰ درصد صادرات کشور ناچیز است و با ادامه این روند، توازن ارزی برهم می‌خورد و اقتصاد کشور به سوی ضعف و فقر پیش می‌رود.

رشد جمعیت که به افزایش تقاضای داخلی می‌انجامد، سبب می‌گردد که امکانات و کالاهای قابل صدور مورد تهدید قرار گیرد و اتکاء صنعت به تأمین نیاز داخلی، انگیزه ضعیفی برای حضور در بازارهای بین‌المللی باقی می‌گذارد.

برای حضور در صحنه بین‌المللی لازم است که تحولات تجارت جهانی را بشناسیم، تحلیل کنیم و برای بهره‌گیری از روندهای تجاری، خود را آماده سازیم. در این راستا، نیاز به دریافت و تحلیل اطلاعات و دستیابی به فن‌آوری اطلاعات، هم‌چنان وجود دارد.

برای کسب سهم بیش‌تر از تجارت جهانی، باید انگیزه برای

زمینه‌ها، ژاپن حضور قوی در صحنه بین‌المللی ندارد. برخلاف ژاپن، نبود حمایت دولت از صنایع تولید نرم‌افزار و صنایع فضایی در آمریکا سبب شده است که این کشور بهترین عملکرد را در این صنایع در عرصه جهانی داشته باشد. با این وصف می‌توان گفت که منابع انسانی و زیرزمینی آسان و یا حمایت‌های دولت نمی‌تواند زمینه‌ساز توسعه صادرات به‌طور واقعی و حضور قوی در بازارهای بین‌المللی باشد.

○ اگر بخواهیم متناسب با جمعیت کشور، در تجارت جهانی سهم داشته باشیم، باید صادرات را سه برابر کنیم. با محدودیت‌های ناشی از صدور نفت، حرکت برای رشد سریع صادرات صنعتی الزامی است.

کارشناسان اقتصادی عقیده دارند که مزیت نسبی واقعی در محتوای فن‌آوری (تکنولوژی) و بهره‌وری نهفته است. برای اقتصاد ایران نیز ضرورت دارد که در مجموعه صنعت موضوع محتوای فن‌آوری، بهره‌وری و ارزش‌افزوده را به دقت بررسی و ارزیابی کند.

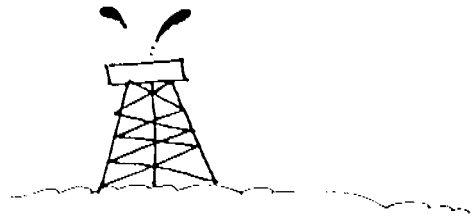
برای اتخاذ یک سیاست مؤثر تشویق صادرات، ضرورت دارد که تسهیلات برای صادرات کالاهای صنعتی دارای محتوای فن‌آوری و ارزش‌افزوده، فراهم گردد. اگر سیاست تشویق صادرات بر مبنای مزیت رقابتی بهره‌وری قرار گیرد، به‌طور قطع و یقین توفیق به ارمغان می‌آورد. این توفیق نه تنها در ارقام صادرات غیرنفتی، بلکه در ارتقاء سطح زندگی مردم و اشتغال مؤثر و مولد، تجلی خواهد کرد.

با افزایش درآمد ارزی ناشی از صادرات محصولات صنعتی، امکان افزایش دستمزد واقعی کارکنان صنعت (از کارگر تا مدیر) فراهم می‌شود و در نتیجه این افراد با قدرت خرید بیشتر قادر خواهند بود که مبالغی را صرف آموزش بهتر خود و فرزندان کنند که در آینده به رشد بهره‌وری کمک خواهد کرد.

چنانچه بحث بهره‌وری، ارزش‌افزوده و تشویق صادرات به درستی تجزیه و تحلیل شود و راهکار مناسب برای رشد بهره‌وری و ارزش‌افزوده اتخاذ شود و تشویق صادرات بر مبنای مزیت رقابتی بهره‌وری استوار گردد، می‌توان به آینده صادرات محصولات صنعتی امیدوار شد.

اتکاء به تأمین نیاز داخلی و حاکمیت فروشنده در بازار

فن‌آوری (تکنولوژیکی) بوده، درحالی که صادرات آن را کالاهای ساخته شده با ارزش‌افزوده بالا و دارای محتوای فن‌آوری تشکیل داده است. این بررسی نشان می‌دهد که انرژی یا نیروی کار ارزان مزیت نسبی تلقی نمی‌شود، بلکه آخرین مزیت‌های نسبی، بهره‌وری و توانمندی فن‌آوری در تولید محصولات صنعتی است.



○ رشد جمعیت و افزایش تقاضای داخلی و نیز اتکاء بخش تولید به تأمین نیازهای بازار داخلی، تهدید جدی علیه صادرات صنعتی است.

برخی از کارشناسان اقتصادی به ضرورت حمایت دولت از تولید و صادرات اشاره می‌کنند. درحالی که بررسی‌های انجام شده بر روی اقتصاد ژاپن و آمریکا نشان می‌دهد که حمایت قوی دولت ژاپن از بخش تولید نرم‌افزارهای رایانه‌ای و صنایع فضایی عملکرد بسیار ناموفقی داشته است و در این

سربار، افزایش بهره‌وری و عرضه محصول با کیفیت و قیمت رقابتی ندارد. به همین جهت نگاه به بازار داخلی، صنعت را از بهره‌وری رقابتی در صحنه بین‌المللی دور می‌سازد. بنابراین ضرورت دارد که دولت از این پس به حمایت واقعی از حقوق مصرف‌کنندگان بپردازد تا زمینه را برای الزام تولیدکنندگان به رشد بهره‌وری و ارزش‌افزوده، آماده سازد.

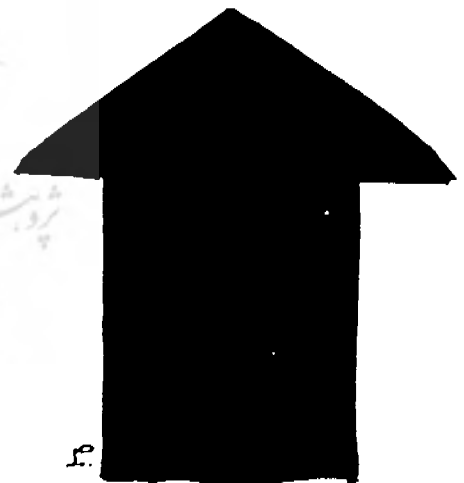
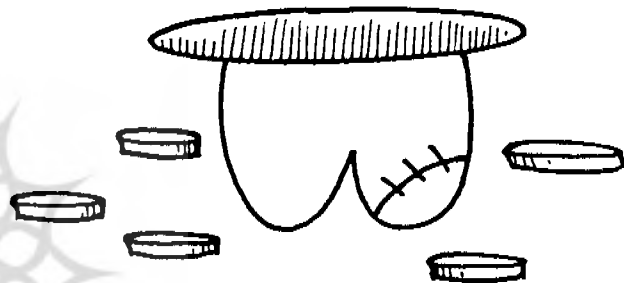
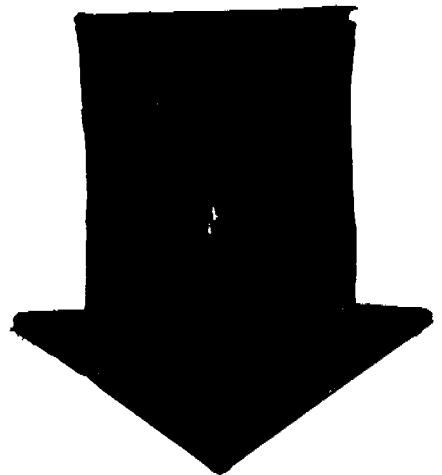
○ کارگر و انرژی ارزان، مزیت نسبی نیست، زیرا ژاپن بدون در اختیار داشتن این منابع، قادر به صدور سالانه حدود ۴۰۰ میلیارد دلار کالا به بازار جهانی است.

در صحنه رقابت بین‌المللی، بهره‌وری و محتوای فن‌آوری در تولیدات صنعتی مطرح می‌باشد. در این بازار حاکمیت مصرف‌کننده برقرار است و تولیدکننده الزام دارد که کالای موردنیاز مصرف‌کننده را با کیفیت مناسب و قیمت قابل رقابت عرضه کند تا بتواند سهمی در بازار داشته باشد، در غیر این صورت از صحنه بین‌المللی خارج خواهد شد.

در بحث مدیریت راهبردی، بهره‌برداری از منابع در اختیار مدیر باتوجه به فرصت‌های محیطی بر مبنای اداراکات مدیر، مطرح می‌شود. مدیریت راهبردی فرآیندی است که باید ساختار مناسب خود را داشته باشد. یعنی مدیری که قصد دارد با امکانات در اختیار خود باتوجه به فرصت‌های محیطی استفاده کند، باید توانمند باشد تا بتواند مسایل محیطی را به درستی درک کند و ساختار مناسب بهره‌برداری از منابع و امکانات را ایجاد نماید.

مسأله مدیریت راهبردی در واحدهای اقتصادی ایران به‌ویژه بنگاه‌های تولیدی دولتی به‌کلی از یاد رفته است و این امر برای توسعه صنعت و صادرات محصولات صنعتی یک تهدید جدی قلمداد می‌شود. ضرورت گسترش خصوصی‌سازی برای بهره‌گیری از کارایی بالاتر واحدهای تولیدی و اعمال مدیریت راهبردی الزامی است که باید برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران اقتصادی هرچه سریع‌تر به آن پاسخ دهند و از بروز زیان‌های بیش‌تر جلوگیری نمایند.

آنچه مسلم است محدودیت منابع (به‌ویژه منابع ارزی) در آینده ما را وادار خواهد کرد که از فرصت‌های محیطی ایجاد شده در کنار محدودیت‌ها، بهره‌برداری کنیم. دیر یا زود، اقتصاد ایران ناگزیر است که برای رشد



امکان رشد بهره‌وری افزایش ارزش‌افزوده و تولید کالاهای دارای محتوای فن‌آوری را از بین می‌برد.

مادامی که حمایت از تولیدکننده به‌طور یک طرفه از سوی دولت صورت می‌گیرد و از حقوق واقعی مصرف‌کنندگان پشتیبانی نمی‌شود، تولیدکننده دلیلی برای کاهش هزینه‌های

صحنه‌های بین‌المللی، نیاز به اصلاح ساختاری واحدهای اقتصادی می‌باشد.

در شرایط کنونی، واحدهای تولیدی ساختار بسیار نامناسبی دارند. بهره‌وری نیروی کار در آن‌ها پایین است. بهره‌گیری از امکانات محیطی در آن‌ها نامناسب می‌باشد. برای مثال، هر واحد تولیدی مجموعه‌ای از خدمات را برای خود فراهم ساخته که به‌طور کامل مورد مصرف آن واحد نمی‌باشند و لذا سرمایه‌گذاری انجام شده برای ایجاد این‌گونه امکانات هزینه‌های سربار را افزایش داده است و با وجود بازار تحت تسلط تولیدکننده، این‌گونه هزینه‌ها در قیمت تمام شده سرشکن می‌گردد و از مصرف‌کننده دریافت می‌شود.

اگر قرار باشد که صنعت در عرصه رقابت بین‌المللی قرار گیرد، مصرف‌کنندگان خارجی هرگز پذیرای پرداخت این‌گونه هزینه‌های قابل اجتناب نخواهند بود و در نتیجه تولیدکنندگان می‌توانند در بازار عرض‌اندام کنند که قادر هستند هزینه‌های قابل اجتناب را حذف و قیمت پایین‌تری برای محصولات خود ارایه دهند.

بخش خدمات مورد استفاده در واحدهای صنعتی، کارایی لازم را ندارد. برای مثال از آن‌جا که خدمات حمل‌ونقل و ... به‌موقع و در حد موردنیاز در اختیار مدیران واحدهای تولیدی نیست، هزینه‌های گزافی برای ایجاد این‌گونه خدمات صرف می‌شود.

○ با افزایش درآمد ارزی ناشی از صدور محصولات صنعتی، امکان افزایش واقعی دستمزد کارگران متناسب با بهره‌وری آن‌ها فراهم می‌شود. این امر انگیزه برای رشد مهارت‌ها را در کارگران تشویق می‌کند.

درحالی‌که این واحدهای خدماتی به‌طور تمام وقت مورد استفاده واحدهای صنعتی نیستند و لذا سرمایه‌گذاری انجام شده در این زمینه‌ها، در بیشتر مواقع بلااستفاده است. در شرایطی که منابع سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران محدود و نرخ سود استفاده از آن بسیار بالا است، مدیران واحدهای صنعتی می‌بایست دقت بسیار زیادی برای صرف هر ریال باتوجه به بازده آن، داشته باشند.

عامل بهره‌وری و بهره‌برداری صحیح از سرمایه می‌تواند

صادرات صنعتی و تنوع بخشیدن به درآمدهای ارزی، به موضوع‌هایی نظیر رشد بهره‌وری و ارزش‌افزوده، مدیریت راهبردی و فن‌آوری کاربردی به‌طور عمیق نظر اندازد و از آن بهره‌جوید.

## ضرورت رشد بهره‌وری برای گسترش صادرات صنعتی

زمانی که بحث از کارگر و انرژی ارزان در ایران به‌عنوان مزیت نسبی مطرح می‌شود، به این پرسش جوابی داده نمی‌شود، که چرا کارگران نباید دستمزد واقعی دریافت کنند و همواره دستمزدشان نازل باشد.

○ **مزیت نسبی در بهره‌وری، محتوای فن‌آوری تولیدات و مدیریت راهبردی نهفته است و نیازی به حمایت‌های دولتی نیست. بلکه دولت باید محصولات صادراتی حاوی فن‌آوری ارزش‌افزوده را تشویق کند.**

اگر کارگر، کار مناسب با بهره‌وری قابل‌توجه ارایه دهد و دستمزد واقعی و بالا دریافت کند، انگیزه برای رشد مهارت‌ها افزایش می‌یابد. براساس گزارش منابع رسمی، تفاوت دستمزد کارگران در ایران حدود ۱۰ درصد می‌باشد. این تفاوت نازل انگیزه کسب مهارت و آموزش را از بین می‌برد و همواره کارگران، کارگرانی فاقد مهارت و بهره‌وری باقی خواهند ماند. درحالی‌که دریافت دستمزد واقعی متناسب با بهره‌وری، امکان ارتقاء سطح زندگی و صرف مبالغ بیشتر برای آموزش فرزندان کارگران فراهم می‌شود و ادامه این روند نیروی کار را به نیرویی مجهز به تخصص و مهارت تبدیل می‌کند.

از سوی دیگر ارایه انرژی ارزان به بنگاه‌های اقتصادی در شرایطی که منابع انرژی کشور محدود است، اقتصادی نیست و هرزروی انرژی را به‌دنبال خواهد داشت.

البته این تذکر نیز لازم است که مقایسه قیمت انرژی در ایران با قیمت‌های جهانی نیز چندان دقیق نیست. زیرا بخش انرژی نیز مانند سایر بخش‌ها در حد رقابتی و با بهره‌وری کامل اداره نمی‌شود و لذا هر واحد انرژی تولیدی در ایران در واقع بیش از قیمت جهانی، هزینه دارد.

برای استفاده از مزیت بهره‌وری رقابتی جهت حضور در

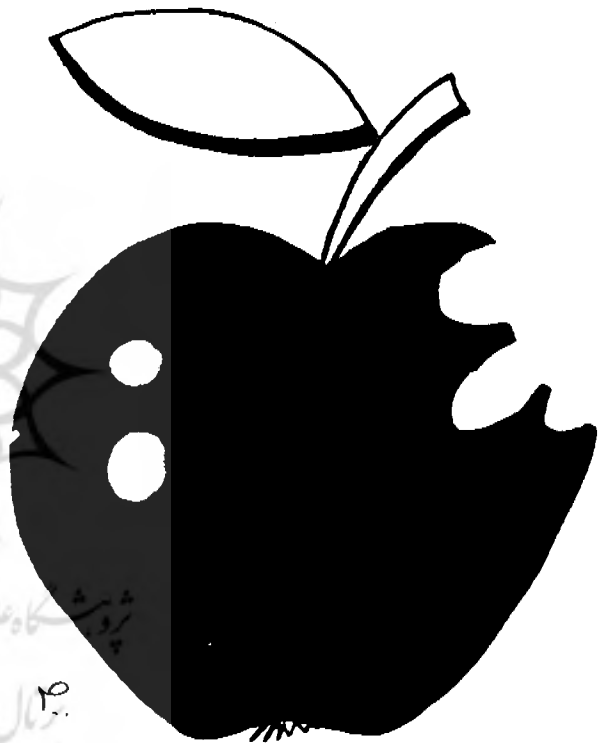
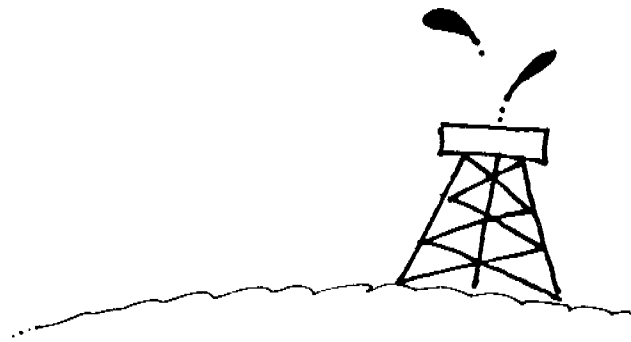
سربار را باتوجه به رشد بهره‌وری به حداقل ممکن برساند.

○ توجه به تأمین نیازهای بازار داخلی، صنعت را از بهره‌وری رقابتی در صحنه بین‌المللی دور ساخته است. دولت باید از این پس از حقوق مصرف‌کنندگان دفاع کند تا تولیدکنندگان مجبور شوند بهره‌وری و ارزش‌افزوده را در تولیدات خود بالا ببرند.

باین وصف می‌توان گفت: برای صادراتی شدن صنعت، اصلاح ساختاری توجه به رشد بهره‌وری و ارزش‌افزوده، محتوای فن‌آوری تولیدات و مدیریت راهبردی، ضرورت دارد. با چنین نگرشی می‌توان محصولی با کیفیت مناسب، فن‌آوری روز و قیمت مناسب ارایه داد تا در بازارهای جهانی خریدار پیدا کند.

نکته قابل‌توجه دیگر ضرورت جداسازی فعالیت تولید از صادرات می‌باشد. با اصلاح ساختار تولید، قادر خواهیم بود که محصولی قابل‌رقابت به دنیا عرضه کنیم. اما کار صادرات یعنی تبلیغات، بازاریابی، رساندن به‌موقع محصول به بازار خریدار و ... خود تخصصی ویژه است که صادرکنندگان، بازرگانان و بازاریابان متخصص باید وارد این جرگه شوند. تا زمانی که تصور بر این باشد که تولیدکننده خود صادرکننده کالا باشد، نه‌تنها فرصت بهره‌گیری از مدیریت راهبردی و رشد بهره‌وری برای مدیران تولید باقی نمی‌ماند، بلکه ضعف تخصص در راهیابی به بازارهای جهانی، مشکل صادرات را حل نخواهد کرد.

ایجاد تشکیلات صادراتی، شرکت‌های بازرگانی معتبر و متکی به بازاریابان متخصص، که بتوانند مجموعه‌ای از تولیدات صنعتی قابل عرضه در بازارهای خارجی را در بازارهای هدف بازاریابی کنند و به‌فروش رسانند، ضروری است.



خود عامل مزیت رقابتی باشد. موضوع قابل‌توجه دیگر آن است که واحدهای صنعتی مجموعه‌ای از واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی را در کنار خود ایجاد کرده‌اند که علاوه بر بخش‌های اداری و پشتیبانی که همواره هزینه‌های سربار را افزایش می‌دهند، بر مشکلات فعالیت اقتصادی واحد می‌افزاید. زمانی خط تولید در حد قابل‌قبول کار می‌کند که میزان بهره‌گیری از واحدهای جنبی (تولیدی دیگر و پشتیبانی) درحد ظرفیت کامل فعال باشند.

بنابراین، تمرکز کنونی صنعت، امکان بهره‌گیری از تمام سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را ناممکن می‌سازد و لذا اصلاح ساختار ضرورتی غیرقابل‌انکار است که می‌تواند هزینه‌های